

مهمترین حوادث تاریخ اسلام

جعفر سبحانی تبریزی

کسی از من پیشقدمتر نبود!

پیشرفت آئین اسلام و نفوذ آن در میال ملل ، و سیرو جریان افکار اسلامی در دل‌های جهانیان بطور تدریج بوده است ، کسانی که در پذیرفتن و نشر آن از همه پیش‌گامتر بودند ، در زمان صحابه پیامبر و اصطلاح قرآن بآنها «السابقون» می‌گفتند ، و این خود در صدر اسلام ملاک فضیلت و برتری بوده ، و میان این گروه ، اول کسی که ایمان آورده و افتخار سبقت بر همه نصیب او گردیده است ، واجد افتخار دیگری بوده است ، بنابراین بایست با کمال بی‌طرفی از روی مدارک صحیح موضوع را بررسی کرده و پیش‌گامترین فرد را از زنان ، و پیش‌قدمترین مرد را در اسلام بدست آوریم .

از زنان « خدیجه »

تقریباً یکی از مسلمات تاریخ موضوع فوق است ، چون مخالفی در این باره بچشم نمی‌خورد ما برای اختصار يك سند مهم تاریخی را که تاریخ نویسان از یکی از زنان پیغمبر اکرم نقل کرده‌اند در اینجا می‌آوریم .

عائشه می‌گوید: من هم‌واره بر اینک روزگار « خدیجه » را درک نکرده بودم تا سف می‌خوردم و از علاقه و مهر پیامبر نسبت با او همیشه تعجب می‌کردم ، زیرا همسر عزیز او ، ویرا بیشتر

از همه یاد می کرد ، و اگر کوفندی میکشت ، سراغ دوستان «خدیجه» می رفت و سهمی برای آنها می فرستاد ، روزی رسول اکرم خانه را ترک می گفت در آن حال «خدیجه» را یاد کرد و قدری از او تعریف نمود بالاخره کار بجائی رسید که من نتوانستم خودم را کنترل کنم ، با کمال جزأت گفتم :

وی يك پيرزن بيش نبوده و خدا بهتر از آن را نصیب شما کرده است ، گفتار من سوء اثر غربی در رسول خدا کرد ، آثار خشم و غضب در پیشانی او ظاهر گردید ، و فرمود ابدأ چنین نیست ... بهتر از آن نصیب من نگشته ! او هنگامی بمن ایمان آورد ، که سراسر مردم در کفر و شرک بسر می بردند ، اموال و ثروت خود را در سختترین مواقع در اختیار من گذارد ، خدا از او فرزندانى نصیب نمود که سائر همسرانم محروم ساخت ! ...

گواه دیگر بر پیش قدم بودن خدیجه در ایمان بر تمام زنان جهان، همان سرگذشت آغاز وحی و نزول قرآن است ، زیرا هنگامی که رسول اکرم از «غار حراء» پائین آمد ، و سرگذشت خود را با همسر خود در میان گذارد ، بلافاصله تصریحاً و تلویحاً تصدیق و دلدارى همسر خود را شنید ، علاوه بر آن مکرر بر مکرر از کاهنان و دانایان عرب ، اخبارى راجع به نبوت شوهر خود شنیده بود همین اخبار ، و صداقت و درستی او سبب شد که با جوان هاشمی ازدواج کند .

پیش قدمترین مردان علی بود

شهرت قریب با اتفاق میان تاریخ نویسان اهم از محدثان سنی و شیعه اینست که نخستین کسی که از مردان ایمان آورد ، علی بود و در برابر این قول مشهور احوال نادری نیز در لابلای تاریخ بچشم می خورد ، که نویسنده آنها با اینکه آنرا نقل کرده ولی مخالف آنرا انتخاب کرده است .

آرى گاهى گفته میشود که اول کسیکه با او ایمان آورد ، پسر خوانده پیامبر زید بن حارثه و یا ابوبکر بوده است ، ولی دلائل زیادی که مافقط مختصری از آنرا در اینجا می آوریم ، گواهی بر خلاف دو قول مزبور میدهند اینک برخی از آن دلائل :

علی در امان پیامبر بزرگ شده

تاریخ برای ما نقل میکنند که شاه مردان (علی علیه السلام) از دوران کودکی در

خانہ پیامبر پرورش یافته ، و پیامبر بزرگ ہسان يك پدر مہربان و دلسوز ذرتريت او ميكوشيد، عموم سيره نويسان بطور اتفاق مي گویند:

پيش از بمثت پیامبر ، خشکسالی عجیبی در مکه پدید آمد ، ابوطالب عموی پیامبر که مائله زیادی داشت و بزرگ قریش بود وضع درآمد او با مخارج او چندان متوازن نبود، و نسبت بہ برادر خود «عباس» چندان ثروتی نداشت ، وضع زندگی ابوطالب در چنین سال قحطی پیامبر را بر آن داشت با عموی ثروتمند خود «عباس» مذاکره نماید و قرار بر این شد کہ برای گشایش کار «ابوطالب» دو فرزند عمورا این دو بخانه خود ببرند ، تا بدینوسیله هزینه زندگی ابوطالب تاحدی پائین بیاید ، و بالنتیجه «علی» را پیامبر و «جعفر» را عباس بخانه خود بردند.

در چنین وضع بایست گفت کہ علی در آن روزی کہ بخانه پیامبر رفت کمتر از هشت و یا ده سال نداشته است ، زیرا منظور از بردن علی این بود کہ گشایش در کار بزرگ مکه (ابوطالب) بوجود آید ، و بچہ ای کہ سن و سال او کمتر از هشت و ده باشد ، علاوه بر اینکه جدا نمودن او از پدر و مادر کار بسیار دشواری خواهد بود ، خود این کار چندان تأثیری در وضع زندگی ابوطالب بوجود نمی آورد ، بنا بر این بایست سن او را طوری فرض کنیم کہ بردن او در وضع زندگی پدرش تأثیر قابل توجہی داشته است ، در چنین صورت چطور می توان گفت کہ بیگانگان مانند زید بن حارثه و دیگران از اسرار وحی اطلاعی پیدا کرده و بدست آورده بودند ، ولی برادرزادہ او کہ از همه باو نزدیکتر ، و در تمام اوقات با او بود، از اسرار الهی نازل بر پیامبری اطلاع بوده است؟

منظور پیامبر از تربیت علی این بود کہ تاحدی خدمات «ابوطالب» را جبران کند ، و در نزد پیامبر چیزی عزیزتر و گرامیتر از این نبود کہ فردی را برای راست هدایت کند، مع الوصف چطور می توان گفت کہ پیامبر برادر زادہ خود را کہ بکفرد روشن ضمیر و باهوش بود ، از این نعمت عظیمی محروم سازد ، خوبست گفتار فوق را از زبان خود علی (ع) بشنویم.

وی در خطبہ «قاسمہ» منزلت و نزدیکی خود را با پیامبر چنین تشریح می کند ،
 ولقد علمتم موضعی من رسول الله بالقرابة القریبة والمنزلة الغصیبة، وضعنی فی حجره وانا ولید یضمنی الی صدره ویکنفنی فی فراشه، ویضمنی جسده ویضمنی عرفه ، ولقد كنت اتبعه اتباع الفیصل اثره فی کل یوم.

من اخلاقه علما ویا مرئی بالاقتداء به ، ولقد کان یجاور فی کل سنة بحراء
فراه ولا یراه غیرى ، ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله
و خدیجه و انائلتها ! اری نور الوحی و الرسالة و اسم ریح النبوة ... (۱)

شما قدر و منزلت مرا از رسول خدا (ص) بسبب خویشی نزدیک و مقام بلند و احترام
(که نزد آن حضرت داشتم) میدانید زمان کودکی مرا در کنار خود پرورش داد، و بسینه اش
می چسبانید ، در بسترش در آغوش میداشت ، و بوی خوش او را استشمام میکردم و ...
و من پی او میرفتم مانند رفتن بچه شترپی مادرش ! در هر روزی از فضائل اخلاقی خود
پرچم و نشانه ای میافراشت (آشکار مینمود) و پیروی از آنرا بمن امر می فرمود ، و در هر
سالی بحراء (پیش از رسالتش) اقامت مینمود، من او را میدیدم و غیر من نمیدیدم.

در آن زمان اسلام در خانه ای نیامده بود مگر خانه رسول خدا و خدیجه
و من سوم ایشان بودم نور وحی و رسالت را میدیدم و بوی نبوت را استشمام
می کردم ...

علی و خدیجه با پیامبر نماز می خوانند

ابن حجر در « اسابه » در ترجمه «عقیق کندی» ، و ابن عبدالبر در «استیعاب»
و بسیاری از دانشمندان تاریخ داستان زیر را از او نقل میکنند که او گفت:

در روز گار جاهلیت ، وارد مکه شدم و میزبانم عباس بن عبدالمطلب بود ، و ما
دو نفر در اطراف «کعبه» بودیم ، ناگهان دیدم ، مردی آمد ، در برابر «کعبه» ایستاد
و سپس پسری را دیدم که آمد در طرف راست او ایستاد ، چیزی نگذشت زنی را دیدم و آمد
در پشت سر آنها قرار گرفت ، و من مشاهده میکردم که این دو نفر ، به پیروی از آن مرد
رکوع و سجود مینمودند ، این منظره بی سابقه حس کنجکاوی مرا تحریک کرد که جریان را
از «عباس» بپرسم ، او گفت ،

آن مرد محمد بن عبدالله است ، و آن پسر ، برادرزاده او ، و زنی که پشت آنها
است ، همسر محمد است ، سپس گفت برادرزاده ام می گوید که روزی فراخواهد رسید

۱- نهج البلاغه . ج ۲ ص ۱۸۲ طبع مصر و دز ص ۱۹ نیز می فرماید (اللهم انی اول من اناب

و سمع و اجاب ، لم یسبقنی الا رسول اله (ص) بالصلوة

که خزانه‌های «کسری» و «قیصر» را در اختیار خواهد داشت ولی سوگند بخدا ، روی زمین کسی پیرو این آئین نیست جز همین سه نفر ، سپس روای می گوید: آرزو میکنم که ایکاش من چهارمین نفر آنها بودم!

سرگذشت مزبور از آنجا که مستقیماً در باره علی نیست ، حتی کسانی که درباره نقل فضائل او کوتاهی دارند آنرا نقل کرده اند فقط میان محدثات «بخاری» در صد تضعیف روایت برآمده است ، البته روش او درباره فضائل «اهل بیت» برای اشخاص آشنا روشن است ، و خوانندگان میتوانند سرگذشت مزبور را بطور تفصیل در جلد دوم صفحه ۲۱۱ تاریخ طبری ، و ج ۲ ص ۳۷ و ۳۸ تاریخ کامل و اعلام الوری ص ۲۵ ، بحار ص ۲۰۹ مطالعه کنند .

گواه سوم از گفتار علی

در میان خطبه‌ها و کلمات آن حضرت این جمله و نظائر آن زیاد دیده می شود که آن حضرت می فرمود:

انا عبدالله واخو رسول الله وانا الصديق الاكبر لايقولها بعدى
الاكاذب مقترى ولقد صليت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنين وانا اول
من صلى :

«من بنده خدا و برادر رسول اکرم ، صدیق اکبر منم ، و این جمله را کسی پس از من نکوید ، جز اینکه دروغگو باشد ، با پیامبر هفت سال (۱) پیش از آنکه کسی با او نماز بخواند ، نماز گزارده ام و من اول کسی هستم که با او نماز خواندم . «مؤلف الغدير» در ج ۳ ص ۲۲۲ اسناد این روایات را از کتبهای حدیث و تاریخ نقل کرده و ما از نظر اختصار از نقل آنها صرف نظر کردیم .

۴ - روایات متواتر از پیامبر اکرم با تعبیرات گوناگون وارد شده است که آن حضرت فرمود :

اولکم واردأ علی الحوض ، اولکم اسلاما علی بن ابی طالب

۱- و در برخی از روایات پنج سال وارد شده است و روی قرائن زیادی بایست گفت که مقداری از این سالها پیش از بعثت بوده است.

نخستین کسی که در کنار (کوثر) بر من وارد میشود نخستن اسلام آورنده علی بن

ابی طالب است!

شما می‌توانید اسانید این روایات را نیز در ج ۳ (الغدیر) ص ۳۲۰ مطالعه بفرمائید مدارک هر دو قسمت بحد توأتر رسیده است و انسان هنگامی که از دریچه بی‌طرفی در این قسمتها مطالعه کند، هیچگاه دو قول دیگر را که از نظر نقل در اقلیت است، انتخاب نمی‌کند و طرفداران قول اول (علی اول کسی بود که ایمان آورد) از بزرگان اصحاب رسول خدا و تابعین متجاوز شصت نفر میباشند، حتی خود طبری که مطلب را مردود گذارده و فقط بنقل قول اکتفا میکند در ج ۲ ص ۲۱۵ نقل میکند که (ابن سعید) از پدر خود پرسید (ابوبکر) اول کسی بود که ایمان آورد، گفت، نه پیش از او بیش از پنجاه نفر به پیامبر گرویده بودند، ولی اسلام او بر اسلام دیگران برتری داشت.

مذاکره مأمون با اسحق

سرگذشت شیرینی مؤلف (عقد الفرید) در ج ۳ ص ۴۳ نقل میکند، و خلاصه آن بقرار زیر است که مأمون مجلس مناظره‌ای تشکیل داد، و دانشمندان معروف «اسحق» در رأس آن قرار گرفته بود، پس از آنکه سبقت علی در اسلام آوردن بر تمام مسلمانان مورد اتفاق اهل مجلس قرار گرفت، (اسحق) گفت:

هنگامی که علی ایمان آورد، کودکی بیش نبوده ولی «ابوبکر» مرد کاملی بوده است از این نظر ایمان او بر ایمان آوردن علی برتری دارد.

مأمون يك مرتبه زمام سخن را بدست گرفت و گفت:

آیا پیامبر علی را دعوت کرد که دوران کودکی و سبابت ایمان آورد، یا ایمان او بوسیله الهام خدائی بود، ؟ هرگز نمی‌توان گفت: ایمان او الهامی بوده است، زیرا ایمان پیامبر الهامی نبوده بلکه براهنمائی و سفارت جبرئیل از طرف خدا بوده تا چه رسد به علی، بنابراین، در آن روزی که پیامبر او را دعوت به اسلام نمود، آیا از پیش خود این کار را انجام داد، یا خدا دستور خدا داده بود؟ ما هیچگاه تصور نمی‌کنیم که پیامبر بدون دستور خدا، خود دیگری را به زحمت و تکلیف بیاندازد؛ پس ناچار بایست گفت: دعوت پیامبر مستند بدستور خدا بوده است، آیا خدای حکیم دستور میدهد پیامبر که يك

كودك غير مستعد را كه ايمان و عدم ايمان او يكسان است ، بدین اسلام بخواند ؛ بطور مسلم ، این کار از خدای حکیم و دانا سر نمیزند.

روی این مقدمات بایست نتیجه گرفت که ايمان على يك ايمان صحيح و پای برجا، که از ايمان و گرویدن دیگران کمتر نبوده است ؛ و بهترین مصداق این آیه ، « **وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ** » : همان شخص علی ابن ابی طالب بوده است .

با اینکه تصدیق می‌کنم که حق این موضوع در چند صفحه ادا نمی‌شود ، مع الوصف دامنه سخن را کوتاه می‌نمائیم .

اخلاق نیک

☆ پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: **ان اكمل المؤمنين ايمانا احسنهم خلقا!**

« کسی از همه ايمانش كاملتر است كه خوش اخلاق تر باشد »

☆ **أعلى عليه السلام** می‌فرماید: **حسن الخلق خير رفيق!**
« اخلاق خوب بهترین دوست انسان است »

☆ **امام صادق عليه السلام** می‌فرماید: **حسن الخلق يزيدني الرزق!**

« اخلاق خوب روزی انسان را زياد می‌کند .

(سفینه البحار)